

پیامدهای توزیع زمین و آب در ساخت سیاسی - اجتماعی ایران «مطالعه موردی: اواسط عهد ناصری تا انقلاب مشروطه»

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۶/۲۹؛ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۰۴)

شایان کرمی^۱

چکیده

این مقاله قصد دارد ضمن تحلیل پیامدهای توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) در ساختار سیاسی و اجتماعی، نظریه رانت‌داری را به‌مثابه رهیافتی بدیل برای تبیین پاره‌ای از رخداد‌های تاریخی و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران ارائه کند. مسئله اصلی مقاله تبیین پیامدهای توزیع اصل منابع طبیعی در ایران دوره قاجاریه است. داده‌ها از آرشیو اسناد ملی و سایر منابع کتابخانه‌ای گردآوری و به روش تاریخی تحلیل رانت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد در تاریخ اقتصادی ایران دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین توزیع‌کننده منابع طبیعی (زمین و آب) در طرف عرضه و جامعه (سرمایه و کار) به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در طرف تقاضا قرار می‌گیرد. ساختار نهادهای سیاسی و اجتماعی بر اساس الگوی اجرای عدالت اجتماعی در توزیع منابع طبیعی به‌شکل انحصاری قوام می‌یابد. این الگو از عوامل اصلی ایجاد رانت و تثبیت نهاد رانت‌داری در دولت بوده است. در دوره قاجاریه تیول، تسعیر، تفاوت عمل و

۱. دکتری تاریخ دانشگاه پیام نور تهران (shayan_karami99@yahoo.com)

حقوق و مواجب شاهزادگان مهم‌ترین کانال‌های توزیع رانت، منشعب از نهاد رانت‌داری دولتی بودند. این کانال‌ها پس از انقلاب مشروطه با اقدام قاطعانه مجلس اول مسدود شدند. نهاد رانت‌داری دولتی از عوامل اصلی ناکارآمدی نظام مالیات‌گیری، کاهش مستمر درآمد دولت و شیوع رشوه و فساد بود. هدف نهایی توزیع رانت معافیت از پرداخت مالیات بود. از دیگر پیامدهای مهم رانت‌داری می‌توان به واگذاری امتیازات بزرگ اقتصادی و وقوع انقلاب مشروطه اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، بهره‌مالکانه، توزیع زمین، انقلاب مشروطه، رانت‌داری دولتی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

پیش از نفت، بهره مالکانه^۱ و مالیات زمین مهم‌ترین منابع درآمد دولت ایران را تشکیل می‌داد. هرچند در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه نفت در ایران به بهره‌برداری رسید، اما تا پایان حکومت قاجاریه اقتصاد ایران متکی به بهره مالکانه و مالیات زمین باقی ماند. در قرن نوزدهم بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص ملی ایران متعلق به بخش کشاورزی و حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد نیروی کار در این بخش متمرکز بود (سیف، ۱۳۷۳: ۷۷). در شرایط ضعف مفرط سازوکار تولیدی، سیاست توزیع منابع طبیعی جهت بهره‌برداری باعث بروز پدیده‌ای به نام رانت^۲ شده است. رانت بیماری خطرناک نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ زیرا رشدی خاموش دارد. بهره مالکانه به معنی و مفهوم رانت اولین بار توسط اقتصاددانان کلاسیک، آدام اسمیت^۳ و دیوید ریکاردو^۴ شناسایی شد (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). فرهنگ لغت اقتصاد مدرن، رانت را این‌چنین تعریف می‌کند: پرداختی در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر است (Pearce, 1989: 37). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رانت را به دو دسته رانت‌های سیاسی و رانت‌های اجتماعی تقسیم کرد. در ادبیات رانت‌ریسم منظور از رانت بیشتر بهره و مازادی است که توسط دولت و سازوکار سیاسی فراهم شود (خضری؛ رنانی، ۱۳۸۳: ۴۹). در این مقاله نیز کماکان معنی و مفهوم سیاسی رانت مورد نظر است، اما نشان می‌دهیم که طیف گسترده‌ای از رانت‌ها محصول روابط و ساختارهای

۱. Royalty.

۲. Rent.

۳. Adam Smith.

۴. David Ricardo.

اجتماعی بوده و هستند. اولین مجلس شورای ملی کمیسیونی را برای مطالعه در مسئله «اصلاحات اقتصادی» تعیین کرد. حاصل کار کمیسیون چهار اقدام خطیر بود: ۱. الغای تیول^۱. ۲. الغای تسعیر^۲. ۳. افزودن مقدار تفاوت عمل (تفاوت در قیمت‌ها) به اصل مالیات و ۴. حذف مواجب و مداخل شاهزادگان و خوانین (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۱-۳۳۳). در ادامه مقاله، با بررسی این موارد نشان می‌دهیم اولین مجلس شورای ملی به‌درستی کانال‌های منشعب از نهاد رانت‌داری^۳ را شناسایی کرده بود. این مقاله ضمن تبیین پیامدهای سیاست توزیع منابع طبیعی در یک نظام سیاسی متکی به درآمد زمین، نظریه رانت‌داری را به‌مثابه رهیافتی جایگزین برای تحلیل برخی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخی و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران ارائه می‌کند. پرسش مرکزی و کانونی تحقیق این است که سیاست توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) دوره قاجاریه چه آثار و پیامدهایی داشته است؟ مقاله ضمن تمرکز بر پرسش اصلی به چند پرسش فرعی نیز پاسخ می‌دهد: ریشه خطای استراتژیک نظریه‌ها و تحلیل‌های اقتصادی در اقتصاد سیاسی ایران چیست؟ انقلاب مشروطه به چه میزان در حذف رانت و نهاد رانت‌داری دولتی موفق شد؟ آیا رانت فقط محصول سازوکارهای سیاسی بوده است؟ در نظام بهره‌برداری از زمین چه نوع رانت‌هایی شکل گرفت؟ با توجه به این‌که اولین رانت‌های شناخته شده در ارتباط با زمین و آب شکل گرفته‌اند؛ هم‌چنین به دلیل فقدان یک پژوهش محوری در این موضوع مهم و ارائه شدن نظریاتی که از واقعیت‌های تاریخی جامعه ایران فاصله دارند، انجام این تحقیق کاملاً ضروری و بایسته است.

۱. Thiol.

۲. Conversion.

۳. Rent Management Institution.

پیشینه نظری تحقیق به آراء اقتصاددانان کلاسیک در اوایل قرن نوزدهم برمی-گردد. آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل (۱۷۷۶) و دیوید ریکاردو در کتاب مبانی اقتصاد سیاسی و مالیات‌ستانی (۱۸۱۷) رانت را به‌عنوان درآمد و بهره‌ای نامشروع که به مالک زمین تعلق می‌گیرد مورد توجه قرار دادند. به‌نظر اسمیت درآمد حاصل از یک فعالیت اقتصادی به سه بخش تقسیم می‌شود. یک بخش متعلق به صاحب سرمایه (سود)، بخش دوم متعلق به نیروی کار (دستمزد) و مازاد باقی مانده-متعلق به مالک زمین- رانت است (Ricardo, 2001: 39-40). در دیدگاه اسمیت، رانت موهبتی طبیعی است که در اثر حاصل‌خیزی خاک نصیب مالک می‌شود و دولت به‌عنوان هماهنگ‌کننده منافع عمومی جامعه نقشی در ایجاد رانت ندارد. ریکاردو می‌گوید رانت معلول کمبود نسبی زمین حاصل‌خیز است. با ازدیاد جمعیت و افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی زمین‌های بیشتری، از جمله زمین‌های نامرغوب، زیر کشت خواهند رفت و به زمین‌های نامرغوب که قبلاً فاقد بهره مالکانه بوده‌اند، بهره تعلق می‌گیرد و این بهره در زمین‌های مرغوب افزایش می‌یابد. قیمت هر واحد محصول در زمین حاصل‌خیز برابر با مقدار کار و سرمایه‌ای است که برای تولید آن هزینه شده است. در زمین‌های نامرغوب با همان مقدار کار و سرمایه محصول کم‌تری تولید خواهد شد. چون هزینه تولید در زمین‌های نامرغوب افزایش می‌یابد، شکافی بین هزینه تولید و قیمت هر واحد در زمین‌های مرغوب به‌وجود می‌آید. اگر قیمت محصولات کشاورزی به اندازه‌ای بالا باشد که کشاورزی در زمین‌های نامرغوب نیز سودآور باشد، مالکان زمین‌های مرغوب مازادی در رابطه با زمین‌شان دریافت می‌کنند (Ricardo, 2001: 41-42). با ازدیاد مداوم جمعیت مقدار این رانت افزایش می‌یابد. به‌همین خاطر ریکاردو نسبت به آینده سرمایه‌داری بدبین بود (ابریشمی؛ هادیان، ۱۳۸۳: ۴؛ بلاکر، ۱۳۸۱: ۷۷) و با تأکید بر اجتناب‌ناپذیری شکاف طبقاتی کارویژه «دولت مدبر» را با

تردید مواجه کرد. هسته اصلی نظریات مارکس در بحث «کار و سرمایه» تحت تأثیر ریکاردو قرار دارد. در تحلیل مارکس مسئله رانت به شکلی مبهم در نظریه «ارزش اضافی» نمود می‌یابد. ارزش اضافه به‌عنوان جوهرهٔ استثمار کارگر، میزانی از ارزش اقتصادی تولید شده توسط کارگر و تجسد بهره‌کشی از نیروی کار بیش از مقدار مزد است. البته در این که مارکس نظریه رانت تفاضلی^۱ ریکاردو را درست فهمیده باشد، هم‌چنان، تردید وجود دارد. تفاوت بنیادی نظریه مارکس و ریکاردو در این است که هسته تحلیل ریکاردو مبتنی بر فرآیند «توزیع» است، در حالی که مارکس بر فرآیند «تولید» متمرکز شده است. این مسئله‌ای بسیار مهم است؛ زیرا منشأ تحلیل‌های اقتصادی غلطی درباره تاریخ ایران شده است. یکی دیگر از مسائل بنیادین در اقتصاد کلاسیک بحث قیمت‌گذاری محصول، کالا یا خدمات است. اقتصاددانان کلاسیک نتوانستند به این سؤال بسیار مهم و چالش برانگیز در اقتصاد سیاسی پاسخ دهند که چه معیاری برای تعیین ارزش (قیمت) نهایی یک کالا وجود دارد؟ اسمیت، ریکاردو و مارکس در تحلیل نهایی با تمرکز بر طرف عرضه، «کار» را عامل تعیین‌کننده ارزش کالا و خدمات فرض می‌گیرند. در سال ۱۸۷۱م ویلیام استنلی جونز^۲ در انگلیس و کارل منکر^۳ در اتریش با انتشار کتاب‌هایی، هم‌زمان به این مسئله پاسخی واحد دادند. جونز و منکر به‌همراه لئون والراس^۴ و آلفرد مارشال^۵ پایه‌گذاران مکتبی در علم اقتصاد هستند که به مارژینالیسم، انقلاب نهاییون و اقتصاد نئوکلاسیک معروف است. بر مبنای دیدگاه

-
۱. Differential Rents.
 ۲. William Stanly Jevons.
 ۳. Carl Menger.
 ۴. Leon Walras.
 ۵. Alfred Marshall.

اقتصاددانان نئوکلاسیک عامل تعیین کننده در ارزش یک کالا نه میزان کار تخصیص یافته برای تولید آن، بلکه در میزان رضایت مندی و مطلوبیت ذهنی مصرف کننده کالا نهفته است. منکر می‌گوید سطح انتخاب و ارزش‌گذاری چیزهای جهان بیرون، بنابر معیار ضرورت و اهمیت، با ادامه هستی انسان پیوند دارد (Menger, 2007: 116). آنها معیار تعیین ارزش را به‌جای طرف عرضه در طرف تقاضا جستجو می‌کنند. استنلی جونز می‌گوید برخلاف دیدگاهی که به‌جای مطلوبیت، کار را خاستگاه ارزش می‌داند ارزش به‌طور کامل به مطلوبیت وابسته است (Stanly, 1888: 2). بر اساس نظریه مطلوبیت نهایی^۱ هرچه میزان مصرف یک مصرف کننده از یک کالای خاص افزایش یابد، میزان رضایت مندی و مطلوبیت نهایی کاهش می‌یابد. مارشال در تحلیل نهایی با استفاده از تمثیل تیغه‌های قیچی عرضه و تقاضا (کار و مطلوبیت) را بر روی هم در تعیین ارزش مؤثر می‌داند (Marshall, 1938: 112). دیدگاه نئوکلاسیک‌ها با کشاندن ارزش از یک بحث تخصصی در علم اقتصاد به عرصه سیاست و فرهنگ، ظرفیت نیرومندی را برای تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه دو طرف عرضه و تقاضا در شکل‌گیری ساختار انحصاری نظام توزیع تعیین کننده‌اند. بنابراین رانت از یک پدیده صرفاً سیاسی در دولت به یک پدیده اجتماعی - سیاسی بین جامعه و دولت تبدیل می‌شود.

بر اساس بررسی‌های راقم این سطور تمام پژوهش‌گران معروف پیشین در تحلیل‌های اقتصادی تاریخ ایران بر فرآیند تولید متمرکز شده‌اند. آنها عوامل به اصطلاح پنج‌گانه بهره‌برداری از زمین را به‌عنوان عوامل و نهاده‌های تولید در

۱. Marginal Utility.

طرف عرضه تحلیل کرده‌اند؛ در حالی که تنها زمین و آب، به‌عنوان منابع طبیعی نه‌نهاد تولیدی، در طرف عرضه و سرمایه و کار، به‌عنوان متقاضی و مصرف‌کننده در طرف تقاضا جای می‌گیرد. کاشت گندم و برداشت دوباره همان گندم را نمی‌توان تولید گندم نامید. اما تبدیل گندم به نان یک فعالیت تولیدی محسوب می‌شود. زمین، آب، بذر، گاو و کار را نمی‌توان نهاده‌های تولید در نظر گرفت؛ زیرا ستانده و خروجی همان ماده اولیه است. آنچه که در نظام توزیع زمین شکل می‌گیرد روابطی به‌منظور دلالتی، مبادله و تجارت محصولات کشاورزی در یک شبکه توزیعی گسترده است که با معنی و مفهوم تولید بیگانه است. ناکارآمدی نظریه‌های متمرکز بر تولید در تبیین اقتصاد سیاسی جوامع شرقی اهمیت توجه به الگوی توزیعی منابع درآمد در این جوامع را بیشتر نشان می‌دهد. دست‌کم در پیشینه تاریخی ایران مفهوم تولید غریب است و بیشتر از تولید بر توزیع تأکید می‌شود (غنی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۳). نظریه‌هایی مانند شیوه تولید آسیایی (مارکس و انگلس، ۱۸۵۳)، استبداد شرقی (ویتفولگ، ۱۹۵۷) و استبداد ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۷۴) با تأکید بر فرآیندهای تولید، علت وجودی ساخت دولت استبدادی در جوامع شرقی از جمله ایران را به عواملی مانند کم‌آبی، ساختن تأسیسات آبیاری مصنوعی و نفت محدود کرده‌اند. متأسفانه در بسیاری از پژوهش‌های جدید خطاهای بنیادین تحلیل‌های مارکس و مارکسیست‌ها در مورد جوامع شرقی، هم‌چنان، پایه تحلیل‌های غلطی دربارهٔ رخدادهای تاریخی ایران قرار می‌گیرد.^۱ برخلاف تأکید نظریات پیشین بر عامل آب و کم‌آبی، در ایران آب همواره تابعی از زمین و مسئله اصلی سیاست

۱. برای نمونه یک پژوهش‌گر در تلاشی ذهنی برای خلق نظریه‌ای بدیل با قاطی کردن نفت و آب سنتزی به‌نام هیدروکربنیسم ساخته است. نک: ستاری، سجاد، (۱۳۹۴)، «صور بنیادی حیات نفتی، به سوی گذار از رانتیریزم و ادبیات دولت رانتیر»، دولت‌پژوهی، سال اول، شماره ۲، ۵۷-۲۳.

توزیع زمین بوده است. اما از بین نظریات پیشین در اقتصاد سیاسی ایران نظریه دولت رانتیر^۱ مستثنی است؛ زیرا این نظریه به جای تولید بر توزیع تأکید دارد. به دلیل اثرگذاری این نظریه در تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی نیم قرن اخیر ناگزیر مروری بر پیشینه آن لازم است. نظریه دولت رانتیر اولین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰م توسط اقتصاددان ایرانی، حسین مهدوی^۲، مطرح شد. مهدوی ریشه معضل رانت را در «دولت و نفت» جستجو می‌کند. مهدوی برای تبیین آثار و پیامدهای وابستگی اقتصاد ایران به فروش نفت مفهوم دولت رانتیر را با شاخص‌هایی خاص مطرح کرد. از نظر مهدوی «استقلال دولت از جامعه» و «توانایی تطمیع گروه‌های مخالف» از مهم‌ترین مؤلفه‌های دولت رانتیر است (Mahdavy, 1970: 466). نقدی که می‌توان بر نظریه مهدوی وارد کرد کم-توجهی به پیشینه تاریخی ایران، عدم بررسی سایر رانت‌های حاصل از منابع طبیعی (پیش از ورود نفت) و محدود کردن رانت به رانت‌های سیاسی است. مهدوی با محدود کردن رانت به درآمدهای نفتی نظریه را سر و ته کرده و به اصطلاح شیپور را از سر گشاد می‌زند. پس از مهدوی اندیشمندانی دیگر مانند حازم ببلاوی^۳ و جیاکومو لوسیانی^۴ سعی کردند با افزودن معیارهایی نظریه دولت رانتیر را برای انطباق بر دولت‌های عرب صادر کننده نفت به کار گیرند. آنها چهار معیار برای دولت رانتیر در نظر گرفتند: ۱. دولت دریافت کننده و توزیع کننده اصلی رانت است. ۲. سهم رانت در تولید ناخالص ملی بیش از ۴۲ درصد کل درآمدهای دولت است. ۳. اقلیت کوچکی از افراد جامعه در تولید

-
1. Rentier State.
 2. Hossein Mahdavy.
 3. Hazem Beblawi.
 4. Giacomo Luciani.

رانت دست دارند در حالی که اکثریت افراد مصرف کننده رانت هستند. ۴. منبع رانت خارجی است (Beblawi, 1978: 11). نسل‌های دوم و سوم نظریه پردازان دولت رانتیر نقدهای دیگری بر این نظریه وارد کردند. عده‌ای از منتقدان بر پیشینه تاریخی کشورها قبل از ورود درآمدهای نفتی تأکید دارند. پیشینه تاریخی کشورها قبل از ورود نفت در تحلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پس از ورود درآمدهای نفتی اهمیت به‌سزایی دارد. تحقیقات ذیل به این موضوع پرداخته‌اند: «دولت توزیع کننده در نظام جهانی»، دلاروس^۱ (۱۹۸۰)؛ نفت و سیاست در خلیج فارس: حکومت‌گران و بازرگانان در کویت و قطر، جیل کریستال^۲ (۱۳۷۸)؛ ارزش ثروت: اقتصاد و نهادها در خاورمیانه، کایرن چودری^۳ (۱۹۹۷)؛ «بحران مالی رانت‌خواری و ثبات رژیم»، پیتر مور^۴ (۲۰۰۲)؛ دوران‌های سخت در سرزمین فراوانی: سیاست نفت در ایران و اندونزی، بنیامین اسمیت^۵ (۲۰۰۳). این تحقیقات در بررسی شرایط تاریخی کشورها بر شاخص‌هایی مانند ماهیت روابط دولت با تجار، کارآمدی نظام مالیاتی، حاکمیت قانون و وجود نهادهای قدرتمند تأکید دارند. امروزه مباحث نظری مختلف در ارتباط با نظریه دولت رانتیر مانند آثار و پیامدهای رانت بر ابعاد مختلف توسعه، موانع گذار به دمکراسی، تغییر رژیم و انقلاب در کشورهای متکی به فروش منابع طبیعی ادبیات نظری پرباری را فراهم آورده است. در مورد ایران، تاکنون، هیچ تحقیق مستقلی با موضوع بهره‌مالکانه زمین، به مفهوم رانت، انجام نشده است. در تحقیقات پیشین ذیل عناوین تاریخ

۱. Jacques Delaroix.

۲. Jill Crystal.

۳. Kiren Chaudhry.

۴. Peter More.

۵. Benjamin Smith.

کشاورزی، نظام ارباب رعیتی، اقتصاد سیاسی و غیره نسبت‌های مختلف بهره مالکانه بین مالک و کشاورز مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به مهم‌ترین تحقیقات انجام شده اشاره می‌شود. مالک و زارع در ایران، آن کاترین سوائن‌فورد لمبتون^۱ (۱۳۶۲)؛ نظام ارباب رعیتی در ایران، محمدرضا سوداگر (۱۳۵۹)؛ «درباره تقسیم محصول بر اساس عوامل پنج‌گانه تولید»، مینو الوندی (۱۳۶۱)؛ بنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران، جواد صفی‌نژاد (۱۳۶۸)؛ نظام-های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، مصطفی ازکیا (۱۳۸۲)؛ «دهقانان، زمین و انقلاب»، احمد اشرف (۱۳۶۱)؛ مناسبات ارضی در ایران معاصر، شمس الدین بدیع (۱۳۶۰)؛ تاریخ کشاورزی ایران، تقی بهرامی (۱۳۳۰)؛ گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۷۶)؛ مسئله دهقانی و مسئله ارضی، خسرو خسروی (۱۳۵۸)؛ مسئله ارضی و دهقانان تهیدست در ایران، خسرو خسروی (۱۳۶۰)؛ مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران، اختر رحمانی (۱۳۴۸)؛ نظام ارضی در روستای ایران، حسن زنده دل (۱۳۶۰)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، احمد سیف (۱۳۷۳)؛ استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران، احمد سیف (۱۳۸۰)؛ مفهوم‌پردازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران، حمید عبداللهیان (۱۳۹۲)؛ تاریخ اقتصادی ایران، چارلز عیسوی (۱۳۸۸)؛ اقتصاد سیاسی ایران، محمدعلی کاتوزیان (۱۳۷۷)؛ مناسبات ارضی در کردستان، علی گلاویژ (۱۳۶۰)؛ تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، عبدالعلی لهسانی‌زاده (۱۳۶۹)؛ مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، باقر مؤمنی (۱۳۵۹)؛ از تیول تا انقلاب ارضی، حسین میرحیدر (۲۵۳۵)؛ جامعه دهقانی و تجاری شدن کشاورزی،

۱. Ann Katherine Swynford Lambton.

یوسف نراقی (۱۳۶۸)؛ تکامل فتودالیسم در ایران، فرهاد نعمانی (۱۳۵۸) و غیره. در پایان بحث پیشینه تحقیق یادآوری مجدد این نکته مهم ضروری است که در تمام تحقیقات پیشین درباره اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی ایران کانون تحلیل بر نیروی کار به‌عنوان تولیدکننده و مولد ارزش در طرف عرضه متمرکز است؛ در حالی که به‌لحاظ شرایط تاریخی نیروی کار به‌عنوان مصرف‌کننده در طرف تقاضا جای می‌گیرد. تحقیق حاضر ضمن تأکید بر ناکارآمدی نظریات پیشین، به استثنای نظریه دولت رانتیر، در تحلیل رخدادهای تاریخی دو سده اخیر ایران، با طرح نظریه رانت‌داری دولتی به‌مثابه رهیافتی بدیل، سیاست توزیع منابع طبیعی در جهت تحقق عدالت اجتماعی را عاملی کلیدی در شکل‌دهی به مناسبات بین دولت و جامعه فرض می‌گیرد.

۲. چارچوب نظری

دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک در پیوست با نظریه رانت تفاضلی ریکاردو پایه چارچوب نظری این مقاله قرار می‌گیرد. تا پیش از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش) و ایجاد صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی به‌سادگی نمی‌توان از تولید سخن گفت. در این دوره طولانی از تاریخ ایران سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع منابع طبیعی تأکید دارد. تا پیش از ملی شدن صنعت نفت اقتصاد ایران به بهره مالکانه و مالیات زمین وابسته بود. سیاست توزیع زمین و آب در راستای تحقق عدالت اجتماعی، پای دولت را به منافع اقتصادی توزیع زمین می‌کشاند.^۱ دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک در طرف عرضه، زمین و آب

۱. در قدیمی‌ترین قانون‌نامه‌ها و متونی که از نخستین دولت‌های شناخته شده برجای مانده است، پیوند تنگاتنگی بین ساخت دولت و مفهوم عدالت وجود دارد (برای نمونه قانون‌نامه حمورابی). در دوره حکومت ایلام باستان قید سوگند به «ایشمه کراب»، خدای عدالت، در متن اسناد اجاره‌نامه زمین‌های کشاورزی مرسوم بود (بادامچی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰). اجرای عدالت به‌عنوان یکی از شرایط علی شکل‌گیری دولت در قرون متمادی تاریخ دولت در

را بین جامعه، به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در طرف تقاضا توزیع می‌کند. نیروی کار (رعیت) و سرمایه (مستأجر) هر دو در طرف تقاضا قرار دارد. در نظام رانت‌داری متکی به زمینداری، آب تابعی از زمین است و به شکل مستقل عرضه نمی‌شود. کار به شکل مستقل قابل عرضه نیست و در طرف تقاضا تابعی از سرمایه است. نیروی کار یک مصرف‌کننده وابسته به دولت و سیاست‌های توزیع منابع باقی می‌ماند و سرمایه، با حمایت دولت، وارد بازار دلالتی و تجارت محصولات کشاورزی می‌شود. بر پایه فرض و گمان به نظر می‌رسد دیوان اولین نهاد حقوقی است که به منظور حساب و کتاب درآمد زمین، رسیدگی به اختلافات احتمالی و مدیریت توزیع عادلانه زمین و درآمدهای زمین شکل می‌گیرد.^۱ سرشت توزیعی نهاد دیوان با ساختارهای انحصاری زمینه رشد و گسترش رانت را فراهم می‌کند. چون هسته اصلی نهاد دیوان‌سالاری بر رانت‌داری قوام می‌یابد؛ دولت در ایران در طول قرن‌ها به بزرگ‌ترین مالک زمین تبدیل می‌شود و برای ساماندهی درآمدهای حاصل از زمینداری، نهاد رانت‌داری دولتی در درون نظام دیوان‌سالاری شکل می‌گیرد. در این مقاله با وام گرفتن مفهوم ذهنی ارزش از اقتصاددانان نئوکلاسیک رانت را این‌گونه تعریف می‌کنیم: به هر نوع منفعت حاصل از یک امتیاز انحصاری که هزینه‌هایی را با رضایت خاطر یا نارضایتی بر فرد یا گروه منفعت‌جو تحمیل می‌کند، رانت گفته می‌شود. ریکاردو می‌گوید در فعالیت‌های اقتصادی همه کشورها درصد پایینی از رانت وجود دارد اما چون قوانینی که برای رشد سود تنظیم می‌شود، به شکل

ایران تداوم یافته است (جاوید؛ جمالی، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۲).

۱. برای واژه دیوان ریشه سومری و معانی مختلفی ذکر شده است. در مجموع کانون معنای دیوان به قضاوت و دادگری، دفتر و تشکیلات اداری و حساب و کتاب مالیات و درآمد زمین مربوط است. هرچند معانی منفی مانند دیوان (دیوها) و دیوانه نیز با این واژه پیوند معنایی دارد (آبادیس، dictionary.abadis.ir).

گسترده‌ای، متفاوت از قوانینی است که برای رشد و توزیع رانت تنظیم می‌شود؛ در برخی کشورها سود متعارف رشد می‌یابد و در برخی دیگر رانت مجال رشد و توسعه پیدا می‌کند (Ricardo, 2001: 40). در واقع در کشورهایی که قوانین برای «تولید» تنظیم می‌شود، فعالیت‌های اقتصادی سالم و سود رشد می‌کند و در کشورهای متکی به درآمد منابع طبیعی که قوانین برای «توزیع» تنظیم می‌شود رانت مجال رشد و گسترش می‌یابد. به نظر می‌رسد رشد و گسترش نهاد دیوان در ایران بیشتر متأثر از سیاست توزیع منابع طبیعی و رشد رانت بوده است. در سیستم رانت‌داری دولتی نرخ بهره مالکانه متعارف ثابت می‌ماند و در مقابل سال به سال بر نرخ رانت‌های مالکانه افزوده می‌شود. دیوان منبع تجمع رانت است و این رانت در چرخه توزیع به واسطه کانال‌های مختلفی مانند ایلکو، اقطاع، سیورغال، تیول، تسعیر و غیره به افراد و اقشار اجتماعی منفعت‌جو منتقل می‌شود. لایه‌های متفاوتی از افراد و گروه‌های منفعت‌جو در سیستم رانت‌داری دولتی ایجاد می‌شود. آنها نیز به نوبه خود لایه‌های جدیدی از افراد و گروه‌های منفعت‌جو را ایجاد می‌کنند. کل نظام اقتصادی به شکل سلسله مراتبی از لایه‌های رانتی سازماندهی می‌شود؛ دولت در رأس این هرم قرار دارد و به‌عنوان حامی نهایی همه رانتیرها در اقتصاد عمل می‌کند (Beblawi, 1987: 89). کل ساختار و قشربندی اجتماعی بر اساس دوری و نزدیکی به منابع رانت شکل می‌گیرد. در این سیستم مازاد تولید دام، محصولات کشاورزی، روغن حیوانی و غیره در مقابل برخی معافیت‌ها مانند معافیت از مالیات، خدمات نظامی، مجوز بهره‌برداری از منابع طبیعی و غیره از سبد اقتصادی خانوارهای روستایی و عشایری (نیروی کار) خارج و به انبار دارایی-های خوانین، اربابان و تجار وابسته به دولت (سرمایه) در بازار شهری سرازیر می‌شود. پرداخت هزینه‌های اجتماعی از جانب مصرف‌کنندگان (مانند نیروی کار) بر اساس محاسبات ذهنی و ملاحظاتی صورت می‌گیرد که با زیستن

پیوندی مستحکم دارد و لزوماً توأم با نارضایتی نیست. سیستم مالیات‌گیری در درون نهاد رانت‌داری و در جهت هماهنگی با رشد رانت عمل می‌کند. از قضا دولت که با نیت پاک تحقق عدالت اجتماعی در اقتصاد مداخله می‌کند، به‌مرور زمان خود به بزرگ‌ترین حامی منفعت‌جویی و منبع اصلی تبعیض و فساد تبدیل می‌شود. تا جایی که افراد برای بهره‌مندی از حقوق اقتصادی مجبور می‌شوند از راه‌های مختلف سیاستمداران را تحت تأثیر قرار دهند (خضری؛ رنایی، 1383: ۵۲). اعمال نفوذ، تهدید و تطمیع، تشکیل گروه‌های فشار، پرداخت رشوه، ازدواج‌های مصلحتی، عصیان‌گری ایلات و عشایر و نظایر آنها راه-کارهایی است برای تحصیل یک امتیاز ویژه مانند تیول، تسعیر، معافیت مالیاتی و یا مجوز انحصاری تجارت یک کالای خاص. برون‌داد سیستم رانت-داری دولتی در ایران ثروت‌اندوزی اقلیت اشراف زمیندار، فقر عمومی جامعه، ناکارآمدی نظام مالیات‌ستانی، درآمد پایین و در نتیجه ضعف نهاد دولت، تبعیض و شیوع رشوه و فساد است. ضمن توجه به این نکته که هرگونه ساختار انحصاری عامل اصلی ایجاد رانت است؛ تجاری شدن کشاورزی و تقاضای بازارهای جهانی برای برخی محصولات خاص از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه سبب تشدید انحصارگری دولتی در تجارت محصولات کشاورزی مانند تریاک می‌شود. انحصار دولتی تجارت تجار را به دولت وابسته کرد و مانع شکل‌گیری طبقه‌ای مستقل و خودفرمان از تجار شد (اشرف، ۱۳۵۹: ۸۰). برآیند تجاری شدن کشاورزی و مالکیت انحصاری دولت بر منابع طبیعی تشکیل «مجلس وکلای تجار» به فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۱ق/۱۲۶۲ش بود. فرآیندی که طی آن عده‌قلیلی از تجار وابسته به حکومت مالک املاک فراوان

و ثروت‌های کلانی شدند^۱ (توحیدلو، ۱۳۹۴: ۲۶۷؛ شیرین‌کام؛ فرجام‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۳-۳۵). قیمت‌گذاری دولتی محصولات کشاورزی، کنترل بازار و به تبع آن درآمدهای حاصل از زمینداری تحت تأثیر نوسانات بازارهای جهانی قرار می‌گیرد. مجموعه این عوامل باعث شکنندگی ثبات سیاسی و تحریک جنبش‌های اجتماعی می‌شود. از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار با فروش بخشی از زمین‌های خالصه (دولتی) به بخش خصوصی^۲، تلاش‌هایی برای اصلاح نهاد رانت‌داری صورت گرفت. وقوع انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش) و تصمیم مجلس اول درباره الغای تیول، تسعیر و سایر رانت‌های آشکار، ناکارآمدی سیاست توزیع منابع و سیستم رانت‌داری را نشان داد. انقلاب مشروطه تعدادی از کانال‌های توزیع رانت را مسدود کرد؛ اما نتوانست نهاد رانت‌داری دولتی را از بین ببرد؛ زیرا درآمد دولت هم‌چنان وابسته به اقتصاد زمینداری بود. مهم‌ترین تغییر پس از انقلاب مشروطه ورود بخش خصوصی به سیستم رانت‌داری دولتی بود. اما تا اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش) دولت هم‌چنان بزرگ‌ترین توزیع‌کننده رانت زمین باقی ماند. با ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۲ش) دولت که منبع پردرآمد رانتی دیگری را در دست داشت؛ از رانت زمین چشم‌پوشی کرد. مخصوصاً که خطر وقوع انقلاب دهقانی بقای حکومت پهلوی را تهدید می‌کرد. بنابراین دولت با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، طی یک دهه در سه مرحله

۱. برای نمونه حاج محمدحسن امین‌الضرب، معین‌التجار بوشه‌ری و حسن وکیل‌الدوله در دوران ناصرالدین‌شاه با زدوبندهای سیاسی و برخورداری از امتیازات انحصاری مالک ثروت و املاک فراوانی شدند. بخشی از اموال امین‌الضرب در دوره مظفرالدین‌شاه به اتهام اختلاس مصادره شد. معین‌التجار به واسطه ازدواج با دختر امین‌الضرب و روابط سیاسی امتیازات اقتصادی بزرگی به‌دست آورد. فرزند وکیل‌الدوله داماد ناصرالدین‌شاه و امام جمعه کرمانشاه بود. وکیل‌الدوله با مالکیت یکصد روستا تقریباً نصف روستاهای کرمانشاه را تصاحب کرده بود. در این دوره معدودی از تاجران بزرگ امتیاز انحصاری صادرات تریاک را در دست داشتند.

۲. به‌کار گرفتن عنوان بخش خصوصی در این‌جا شاید چندان صحیح نباشد؛ زیرا زمین‌های خالصه به افراد و گروه‌های با نفوذی که به‌شکل مستقیم یا غیر مستقیم با دولت پیوند داشتند واگذار می‌شد.

زمین‌ها را بین کشاورزان باز توزیع کرد. اصلاحات ارضی رانت دولتی زمین را برانداخت؛ زیرا پس از آن سیاست‌های حمایتی دولت در قالب توزیع زمین و درآمدهای زمین منتفی شد. با ایجاد صنایع تبدیلی کار کشاورزی به شکل مستقل قابلیت عرضه پیدا کرد و این به معنای عدم حمایت دولت از نیروی کار مصرف کننده بود. فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم برای جذب نیروی کار کشاورزی به فرآیندهای تولیدی زمینه نارضایتی عمومی را فراهم ساخت. از طرفی دولت با جایگزینی درآمدهای نفتی در نظام اقتصادی نهاد رانت‌داری دولتی را بیش از پیش تقویت کرد.^۱ با ورود رانت‌های نفتی شکاف طبقاتی عمیق و عمیق‌تر شد و این‌ها عواملی کلیدی در وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش باهدف بازگشت به سیاست‌های توزیعی و حمایتی دولت بود.

۳. روش

این پژوهش با روش تاریخی تحلیل رانت انجام شده است. در تحقیق تاریخی پژوهش‌گر با تکیه بر اسناد و مدارک تلاش می‌کند ویژگی‌های مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل وقوع آنها را تبیین کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۵۳). داده‌ها در حد امکان از منابع دست اول کتابخانه‌ای و آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی گردآوری شد. بیشتر اسناد مورد استفاده در این پژوهش تاکنون در جایی منتشر نشده و فاقد نسخه تصویر اسکن می‌باشند. تصویربرداری از اصل اسناد با دوربین شخصی انجام شده است. روش تاریخی تحلیل رانت در چهار مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول: با تمرکز بر

۱. نویسنده برای ارائه نظریه رانت‌داری دولتی بیش از ده هزار برگ سند و منابع مختلفی را بررسی و تحلیل کرده است. برای اطلاعات بیشتر نک: کرمی، شایان، (۱۳۹۶). کشاورزی و زمین‌داری در غرب ایران از مشروطه تا پایان پهلوی (رساله دکتری)، دانشگاه پیام نور: تهران.

سیاست‌های توزیعی دولت مجموعه قوانین و مقررات هر دوره شامل آیین-نامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و غیره به‌منظور تنظیم رشد و یا کنترل رانت تجزیه و تحلیل می‌شود. در این مرحله تجزیه و تحلیل جهت‌گیری‌های انحصاری قوانین توزیعی برای شناسایی کانال‌های اصلی منشعب از نهاد رانت‌داری دولتی ضروری است. ساختارهای نهاد رانت‌داری دولتی به موازات ساختارهای نظام مالیاتی کشیده و در آن تنیده شده است. در مرحله دوم: پژوهش‌گر هم‌چنان با تمرکز بر فرآیند توزیع منابع طبیعی، زمین و آب را در طرف عرضه (دولت) و سرمایه و کار را در طرف تقاضا (جامعه) تجزیه و تحلیل می‌کند. در مرحله سوم: با تجزیه و تحلیل داده‌ها میزان رشد و انواع رانت‌های سیاسی و اجتماعی بررسی می‌شود. وجود هرگونه ظلم و ستم، تبعیض، فساد، شکاف طبقاتی، جنبش‌های اجتماعی و تضعیف حقوق اقتصادی افراد و گروه‌های اجتماعی ضعیف در داده‌ها خبر از وجود یک یا تعدادی رانت می‌دهد. در مرحله چهارم: با گزینش تحلیل‌های برگرفته از داده‌ها یک صورت‌بندی نظری از علل و عوامل، چگونگی و پیامدهای رشد رانت در نظام‌های سیاسی و اجتماعی ارائه می‌شود.

۴. توزیع زمین و آب

در ایران بهره مالکانه به زمین اختصاص داشت و بهره مالکانه آب در مقابل زمین بسیار ناچیز بود. در واقع آب تابعی از زمین بود و به‌شکل مستقل عرضه نمی‌شد. به‌دلیل کمبود زمین‌های مرغوب به‌مرور زمان زمین‌های نامرغوب و حتی بخش عمده‌ای از زمین‌های مرتع زیر کشت رفته است. عرضه زمین بسته به نوع تقاضای مصرف‌کننده به اشکال مختلفی مانند تیول، خالصه، وقفی، اربابی و غیره صورت می‌گرفت. کمبود طبیعی زمین قابل کشت، مالکیت دولتی، عوامل منحصر به‌فرد تعیین‌کننده ارزش زمین در طرف تقاضا و شکل-گیری ساختارهای انحصاری در نظام توزیع از جمله عوامل کلیدی در گرایش

به رانت بود. یکی از اهداف توزیع زمین و آب پایین نگه داشتن نرخ کالاهای اساسی مانند نان، گوشت و روغن در کشور بود. در ادامه مقاله با تفکیک بهره مالکانه از رانت‌های مالکانه، به استناد شواهد تاریخی، برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای شیوع رانت در نظام توزیع زمین و هم‌چنین نقش دولت در تثبیت نهاد رانت‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. انحصار

ریشه رانت از انحصار تغذیه می‌کند. هر نوع فعالیتی که در قالب یک انحصار و کمیایی طبیعی یا ساختگی انجام شود، می‌تواند منجر به بروز رانت شود. ساختار انحصاری ویژگی برجسته نهادهای اجتماعی و سیاسی در ایران و سیاست‌های مبتنی بر توزیع منابع عامل اصلی انحصار است. برای نمونه نهاد سلطنت در بالاترین سطح هرم ساختار اجتماعی بر اساس فره ایزدی و حق الهی شاهان برای سلطنت پایه‌گذاری شده بود. هم‌چنین ساختار نهاد خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد در پایین‌ترین سطح هرم اجتماعی کاملاً انحصاری است. نقش‌ها و روابط زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان در نهاد خانواده کاملاً انحصاری است. پدر از یک حق انحصاری سلطه بر مبنای توزیع حقوق اقتصادی اعضای خانواده برخوردار است. مادر به‌عنوان کانون توزیع محبت در بین اعضای خانواده، مالک امتیاز انحصاری دیگری است. اعضای خانواده از راه‌های مختلفی مانند هدیه دادن، دوستی، خودشیرینی، خشونت و غیره برای دریافت توجه و محبت پدر و مادر تلاش می‌کنند. حال چنان‌چه پدر و مادر به یکی از فرزندان توجه ویژه‌ای داشته باشد، مسئله بغرنج‌تر می‌شود. در واقع رانت‌های اجتماعی و عاطفی طیفی ناسالم از احساسات و عواطف انسانی هستند که بر مبنای سیاست‌های مبتنی بر توزیع در اثر کمبودهای طبیعی و ساختگی در نهاد خانواده ایجاد می‌شوند. وابستگی، حمایت‌گری، خویشاوندگرایی، نژادپرستی و سلطه-

پذیری برخی از نتایج زیان‌بار ساختار توزیعی نهاد خانواده هستند. روابط انحصاری از نهاد خانواده به عرصه اجتماعی و اقتصادی تسری می‌یابد. افراد برای تعلق داشتن به یک خانواده، خاندان، طایفه، ایل، ملت و یا هر مکتب و اندیشه‌ای که واجد افتخاراتی انحصاری باشد، هزینه‌هایی را با رضایت خاطر پرداخت می‌کنند. بر این اساس برخی خاندان‌ها از امتیازات انحصاری موروثی برخوردار می‌شوند.^۱ نظام زمینداری نظامی معروف به کمان، اسب و ارابه در دوره هخامنشیان بر اساس امتیازات انحصاری خانوادگی شکل گرفته بود (بادامچی، ۱۳۹۵: ۲۶۰-۲۵۵). در دوره هخامنشیان انحصار خانوادگی بهره‌برداری از زمین در مقابل ارائه خدمات نظامی به ایلکو (ایل‌کو) معروف بود. در واقع ایلکو یک واحد موروثی و انحصاری در نظام بهره‌برداری از زمین بود (بادامچی، ۱۳۹۵: ۲۶۲-۲۶۱). در دوره‌های بعد اقطاع، سیورغال و تیول جایگزین ایلکو شدند. انقلاب مشروطه بیشتر ساختار انحصاری نظام سیاسی را هدف گرفت. بر اساس اصل ۳۵ متمم قانون اساسی مشروطه «سلطنت و دیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به پادشاه» تفویض می‌شود (متمم قانون اساسی مشروطه، rc.majlis.ir). اصول ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی مشروطه اعطای هرگونه «امتیازات انحصاری» را به افراد و گروه‌های داخلی یا خارجی را بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع اعلام می‌کند (قانون اساسی مشروطیت، بی‌تا: ۷). اصول متعددی از متمم قانون اساسی مشروطه در ارتباط مستقیم با درآمد زمین، مالیات زمین و پدیده رانت گذاشته شده است.^۲ انقلاب مشروطه ریشه مشکلات کشور را در رأس ساختار اجتماعی (دولت) جستجو

۱. برای نمونه هفت خاندان معروف در دوره ساسانیان.

۲. برای نمونه اصول ۱۵، ۱۶ و ۱۷ متمم قانون اساسی با موضوع تصرف غیر قانونی و سلب مالکیت از افراد؛ اصول ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸ و ۱۰۰ متمم قانون اساسی با موضوع رفع تبعیض در وصول مالیات زمین.

می‌کرد؛ به‌همین خاطر در لایه‌های پایین ساختار اجتماعی (خانواده) تغییری ایجاد نکرد.

۶. بهره‌ مالکانه

براساس یک تحلیل غلط کشاورزی در ایران بر عوامل پنج‌گانه تولید استوار است. این عوامل عبارتند از: زمین، آب، کار، بذر و گاو. این تحلیل به این دلیل غلط است که همه نهادها را در طرف عرضه به‌عنوان عوامل تولید قرار می‌دهد. در حالی که فقط زمین و آب در طرف عرضه قرار دارد و بقیه عوامل در طرف تقاضا جای می‌گیرد. دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک در طرف عرضه توزیع‌کننده زمین و آب است. در مقابل جامعه به‌عنوان بزرگ‌ترین مستأجر در طرف تقاضا مصرف‌کننده منابع طبیعی محسوب می‌شود. از دو عامل آب و زمین در طرف عرضه، زمین عامل کلیدی به‌حساب می‌آید. زیرا بهره مالکانه در مجموع به زمین اختصاص داشت و درآمد دولت از بهره مالکانه آب، نسبت به زمین، بسیار ناچیز بود. آب به‌تنهایی قابلیت عرضه نداشت و تابع توزیع زمین بود. بنابراین مالکیت زمین اهمیت زیادی داشت و دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک زمین مهم‌ترین رکن جامعه محسوب می‌شد. بهره مالکانه در مناطق مختلف ایران به‌نسبت عرضه و تقاضا از جانب مالک و مستأجر متفاوت بود. گاو معمولاً توسط نیروی کار تهیه می‌شد و کار رعیت کشاورز در اصطلاح به «گاو‌بندی» معروف بود (لمبتون، ۱۳۶۲: ۵۴۰). کار رعیت به‌عنوان متقاضی انجام خدمات کشاورزی تابع سرمایه (مستأجر) بود و به‌شکل مستقل قابلیت عرضه نداشت. بذر (سرمایه) عاملی متغیر بود؛ به‌نسبت تهیه بذر توسط مالک یا مستأجر بهره‌ مالکانه نیز متفاوت بود (صفی‌نژاد، ۱۳۵۶: ۷۲). در زمین‌های دیم سهم مالک (زمین) یک پنجم و سهم مستأجر (سرمایه و کار) چهار پنجم محصول بود. در زمین‌های جالیزکاری، بُستان و شالی‌کاری سهم مستأجر

(سرمایه و کار) دو سوم و سهم مالک (زمین و آب) یک سوم محصول بود. بهره مالکانه یک جفت زمین خالصه (دولتی) یک چهارم تا یک پنجم محصول و ۱۰۰ من کاه بود. تهیه سایر نهاده‌ها (کار و سرمایه) بر عهده مستأجر بود (ساکما، ۲۶۰/۳۱۱۸). معمولاً بر طبق قرارداد اجاره بین مالک و مستأجر، ضرر و زیان ناشی از خشک‌سالی و هرگونه آفت به‌علاوه هزینه حمل‌ونقل محصول (بهره مالکانه) از مزرعه تا انبار مالک، بر عهده مستأجر بود (ساکما، ۲۴۰/۴۹۹۱۸).

۷. رانت موجب و مداخل

چون کانون اصلی رانت دولتی در نظام توزیع زمین قرار داشت؛ مهم‌ترین مشاغل نزدیک‌ترین مشاغل به درآمدهای حاصل از زمین بود. منظور از موجب حقوق رسمی و متعارف برای یک شغل دولتی و مداخل درآمدهای نامشروع حاصل از همان شغل است. واتسون به‌خوبی تفاوت موجب و مداخل را توضیح می‌دهد: «از مجموع خصیصه‌هایی که در خوی ایرانیان نمو یافته، بعد از غرور تو خالی زیادی که دارند، شوق دائمی آنان است به سودجویی نامشروع. لفظ مداخل که معادل آن‌را در فرهنگ انگلیسی نمی‌توان یافت، به گوش ایرانیان بس دلپذیر است و لطف آن‌را کم‌تر اروپایی در می‌یابد. مداخل اطلاق می‌شود به‌هر آن‌چه که بتوان به رشوه و فریب و زورستانی و از هر راه نادرست دیگری به‌دست آورد. آن‌چه مردم ایران به‌دنبال آن می‌روند همان مداخل است نه موجب. موجب سر راست میدان تجلی استعدادهای ایرانی نیست. آنها استعدادهای فراوان در ریاکاری و تقلب و اجحاف و تملق‌گویی و فروتنی چاپلوسانه ظهور دارند. از این‌رو شغلی که فقط حقوق خوبی داشته باشد و مجال مداخل را ندهد، حرفه‌ای است بی‌مقدار» (واتسون، ۱۳۵۶: ۳۵۹). مصدق می‌گوید «نظر به این‌که پادشاه خود را مالک مملکت می‌دانست» قرابت با مقام

سلطنت منشأ حقوقی برای اولاد پادشاه بود (مصدق، ۱۳۶۴: ۴۲). «حقوق سرکاری و مراعاتی» به «ملاحظه استحقاق خانوادگی» و «دعاگویی» و «خدمات آبا و اجدادی» به اشخاص وفادار به دولت پرداخت می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۲۸۱۱، برگ ۲۴). پرداخت حقوق و مواجب به اشخاص متنفذ محلی در مقابل مبلغ مالیات آنها محاسبه و سال به سال توسط مستوفیان در دفاتر جز و جمع مالیاتی ثبت می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۲۸۱۱، برگ ۲۵).

۸. رانت تیول

درآمد حاصل از هر نوع امتیاز انحصاری یا حقوق اقتصادی ویژه که افراد و گروه‌های صاحب نفوذ به صورت قانونی از طریق تطمیع سیاستمداران و یا به شکل غیر قانونی از طریق تهدید، رشوه و غیره به دست می‌آورند مشمول رانت است (خضری؛ رنانی، ۱۳۸۳: ۵۱). لمبتون می‌گوید اصطلاح تیول مشتمل بر انواع مختلفی از عطایا بود. در برخی موارد تیول، فقط حق وصول مالیات ناحیه‌ای بود که زمین خالص به‌شمار می‌رفت و گاه تیول به معنای معاف بودن ملک از پرداخت مالیات بود (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۶۶). تیول یک امتیاز ویژه بود و به کسانی که خدمات ویژه‌ای ارائه می‌کردند، حتی زنان، تعلق می‌گرفت (ساکما، ۲۴۰/۳۰۴۴۳: ۵؛ خسروی، ۱۳۴۲: ۵۰۵). در ابتدا تیول مخصوص نظامیان بود؛ اما به مرور دیگر صاحب منصبان کشوری نیز توانستند از این امتیاز برخوردار شوند. معمولاً اختیار حقوقی اداره منطقه تیول با تیولدار بود و مأموران دولتی از ورود به حوزه تیول منع می‌شدند (مصدق، ۱۳۶۴: ۳۱-۳۲). تیول منبعی برای سودجویی منفعت‌جویان بود و چون احتمال لغو امتیاز وجود داشت، تیولداران در دوشیدن نیروی کار ساکن در منطقه تیول کوتاهی نمی‌کردند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۰۶). تجربه سال‌ها تیول نشان از تصرف قسمت‌هایی از مرز تیول به عنوان مالکیت خصوصی برای تیولدار بود (ساکما، ۲۹۵/۶۳۹۰:

۷). اولین مجلس مشروطه به پیشنهاد کمیسیون اصلاحات اقتصادی، به منظور جلوگیری از گرایش شدید به تیول کردن زمین، تیول را ملغی کرد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۳-۳۳۱). در ادامه چند نمونه از هزینه‌های اجتماعی و منفعت‌های نامشروع در رانت دولتی تیول بررسی می‌شود.

۱-۸. سرچفت

کشاورزان برای بهره‌برداری از زمین، علاوه بر بهره مالکانه متعارف، سالیانه وجوهی به شکل نقدی و غیرنقدی به مالک پرداخت می‌کردند که در اصطلاح به «سرچفت» معروف بود. افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی، کمبود زمین و وجود نیروی کار ارزان به نام خوش‌نشینان ساکن در روستا گزینه‌های بیشتری در اختیار مالک قرار می‌داد و از عوامل ایجاد این رانت محسوب می‌شد. در کرمانشاه برای یک جفت زمین: «۱۵۰ من کاه، یک تومان نقد و ۲ قطعه مرغ» به عنوان سرچفت به مالک پرداخت می‌شد (ساکما، ۴۹۹۱۸/۲۴۰). در لرستان سرچفت برای یک جفت زمین، یک رأس گوسفند یا ۶ کیلو روغن حیوانی و یا بهای آن بود (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۲۲). در همدان سرچفت عبارت بود از مقداری روغن، نان، پول، بوته، مرغ و بیگاری که به مالک پرداخت می‌شد (مستوفی، ۱۳۲۶: ۱۹). در کردستان سرچفت عبارت بود از «یک تومان پول نقد، یک من روغن، یک بار زغال، یک بار برف یا یخ، یک بار گیاه و سه بار کاه» (گلاویژ، ۱۳۶۱: ۲۳۵). درآمد سرچفت در زمین‌های خالصه جزو حقوق مستأجر بود و بر نیروی کار تحمیل می‌شد. مالکان و مستأجران بزرگ در محدوده مالکیت خویش نسبت به رعایای کشاورز (نیروی کار) دارای اختیارات وسیعی بودند. به گونه‌ای که نیروی کار موظف به رعایت رشته‌ای از تقیدات اجتماعی بود. این تعهدات عرفی از پیشکش‌ها و هدایا به مناسبت‌های مختلف تا نظرخواهی از مالک در امر تصمیم برای ازدواج فرزند را شامل می‌شد (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۴۸). هدیه روستائیان به اربابان در صورت عروسی و یا تولد

فرزند ذکور، اقامت نظامیان در خانه روستاییان، بیگاری در حفر قنات و جوی آب و لایروبی، که آن را «حشر» می خواندند از دیگر تعهدات عرفی نیروی کار به مالک بود (نعمانی، 1358: 250). ساختار رانتیر دولت در لایه های پایین جامعه قیود اجتماعی خاصی را بر نیروی کار (رعیت) تحمیل می کرد که مصادیق بیرونی آن از پرداخت های نقدی و غیرنقدی تا نمایش رفتارهای گرنش آمیز و متواضعانه جلوه گر بود (عبدالله اف، ۱۳۶۱: ۲۴۳؛ وثوقی، ۱۳۷۷: ۱۷۰). هزینه های اجتماعی نیروی کار (مصرف کننده) که در بالا به پاره ای از آنها اشاره شد مختص به تیول نبود و در سایر انواع مالکیت ها نیز کماکان وجود داشت. با رضایت خاطر یا از سرناچاری هزینه های اجتماعی مصرف کنندگان منتفع از نظام رانت داری بنابر مقتضیات و ملاحظاتی انجام می شد که با زیستن پیوندی مستحکم داشت.

۲-۸. سرگله و سیورسات

اصطلاح «سرگله» در نظام ایلی و عشایری معادل سرچفت در نظام کشاورزی بود. زمین های مراتع از طرف دولت در ازای خدمات نظامی به خوانین ایلات و عشایر به عنوان تیول واگذار می شد. علاوه بر خدمات نظامی خوانین سالانه پیشکش های درخور توجهی برای شاه ارسال می کردند. در مقابل «حق باج گیری و فروعات معمولی» به تیول دار واگذار می شد (ساکما، ۱۳۰۲/۲۹۶). برای حق بهره برداری از زمین های مرتع، علاوه بر بهره مالکانه متعارف^۱، سالانه از هر گله ای یک رأس گوسفند به عنوان سرگله به رئیس ایل داده می شد. برای نمونه

۱. مالیات دام یا بهره مالکانه مراتع در بین عشایر به «شاخ شماری» معروف بود. سالیانه از هر ۱۰۰ رأس دام ۲ رأس به عنوان مالیات یا بهره مالکانه زمین های مرتع وصول می شد. برای اطلاعات بیشتر نک: صفی نژاد، جواد، (۱۳۸۱)، «شیوه های اخذ مالیات در مناطقی از عشایر لرنشین ایران»، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۷-۳۲.

در کرمانشاه سالانه حدود ۸۲۰ گوسفند از ۸۲۰ گله به‌عنوان رسم سرگله به رئیس ایل سنجابی اهدا می‌شد (سنجابی، ۱۳۸۰: ۴۸۴). سیورسات بهره‌ای به شکل نقدی و یا غیر نقدی شامل قند، چای، برنج، روغن، گوسفند، کاه، جو، هیزم، مرغ و غیره بود که جهت رفع پاره‌ای احتیاجات، زیر لفافه هدیه و پیشکش، ولی به‌زور توسط خوانین تیولداری از خانوارهای عشایری گرفته می‌شد^۱ (کرزن، ۱۳۸۰: ۵۶۹؛ سلطانی، ۱۳۸۵: ۹۶).

۹. رانت تسعیر

تسعیر در لغت به‌معنای نرخ‌گذاری و تعیین بها برای چیزی و در اصطلاح عبارت بود از بهای نقدی عین محصول مالیاتی که نرخ آن از زمان‌های گذشته نسبت به بازار آزاد ثابت مانده بود (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۴). روش‌های اصلی و رسمی وصول مالیات زمین در دوره قاجاریه ترکیبی از نقد و غیرنقد (عین محصول) بود (شاپوریان، ۱۳۵۰: ۱۲۶). تسعیر پایین‌ترین نرخ در قیمت-گذاری محصول بود (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۱۸). امتیاز ویژه تخفیف در مالیات به خوانین و مالکان متنفذی اختصاص داشت که منشأ خدماتی به دولت بودند (ساکما، ۲۴۰/۲۸۱۱، برگ ۳). مالکان منفعت‌جو برای معافیت از مالیات با توسل به ابزارهای مختلف مانند رشوه، مقامات دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دادند (کنت دوگوبینو، بی‌تا: ۴۷-۴۶؛ مستوفی، ۱۳۳۶: ۶۲۰). کرزن می‌گوید طبق قانون و مقررات حکومتی در دوره قاجاریه در عمل تسعیر، قیمت‌گذاری بین ۱۵ تا ۲۵ درصد پایین‌تر از قیمت رایج در بازار آزاد تعیین می‌شد (کرزن،

۱. در مقابل تعدادی از خانوارهای به اصطلاح نورچشمی از پرداخت مالیات معاف بودند. برای نمونه، «مال معافی» حکمی بود که به‌موجب آن تعدادی از خانوارهای نورچشمی مالک از پرداخت مالیات و بهره مالکانه مراتع معاف می‌شدند. جفت معافی نیز حکم معافیت از پرداخت مالیات و بهره مالکانه زمین‌های کشاورزی بود (ساکما، ۲۴۰/۹۵۵۴۹؛ صفی‌نواد، ۱۳۸۱: ۲۶).

۱۳۸۰: ۵۷۲). بنابراین مالکان ترجیح می‌دادند، حتی در زمان وفور محصول، از این رانت استفاده کنند (ساکما، ۶۱۲۵/۲۴۰، برگ ۱۰). رانت قانونی تسعیر یکی از عوامل عمده پایین بودن نرخ مالیات و در نتیجه درآمد پایین دولت بود (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۲). به واسطه اختلاف در قیمت‌ها مالیات مالک از سهم محصول مستأجر و نیروی کار پرداخت می‌شد (ساکما، ۱۲۶۸/۲۴۰، برگ ۹). با منسوخ شدن تسعیر، میزان مالیات و در نتیجه درآمد دولت افزایش یافت و مالکان برای پرداخت مالیات‌های معوق به وحشت افتادند (ساکما، ۲۴۰/۲۸۱۱، برگ ۲۵).

۱۰. رانت تفاوت عمل (اختلاف نرخ)

در لغت‌نامه دهخدا ذیل تفاوت عمل آمده است: «عوارضی که دیوانیان گذشته از مقدار مالیات تقویم شده برای تأمین مخارج خود وصول می‌کردند» (<https://dictionary.abadis.ir>). تفاوت عمل گاهی به معنای تخفیف در مالیات دهات خراب و تخمین مالیات برای مزارع و دهات «تازه آباد و جدیدالنسق» (<https://fa.m.wikipedia.org>) و گاهی به معنای تفاوت در قیمت (دو نرخ شدن) محصولات کشاورزی در یک منطقه بود. این اختلاف قیمت‌ها یکی از راه‌های منفعت و ایجاد رانت برای مستوفیان و حکام محلی بود (جمال‌ارونقی، ۱۳۹۳: ۳۱). مصدق می‌گوید تفاوت عمل «مالیاتی بود که بعد از ممیزی به واسطه ترقی قیمت اجناس در هر محل اضافه از مالیات جزو جمعی از مؤدیان مالیاتی گرفته می‌شد. ولات و حکام مستقل موقع انتصاب خود آن‌را به‌عنوان پیشکش به خزانه دولت می‌پرداختند تا بعد که به محل مأموریت خود بروند وصول کنند» (مصدق، ۱۳۶۴: ۲۸). مجدالملک می‌گوید «تفاوت عمل اسباب مداخل بی‌زحمتی است برای رئیس کل. از این تفاوت عمل تجارت تازه‌ای ایجاد شده که به بازار حراج شبیه است. فرقی که هست، این است که

تنها به پروردگان و تربیت یافتگان دولت که پادشاه به نظم معاش آنها مایل تر است حق داده است که به هر درجه از مناصب و هر درجه از مقررات مایل باشند نائل شوند» (مجدالملک، ۱۳۵۸: ۲۹).

۱۱. مداخل (رشوه)

چون رانت درآمدی است مازاد برآنچه تحصیلداران در بهترین حالت دیگر به دست می‌آورند، بنابراین، همواره این امکان وجود دارد منابعی صرف ایجاد، حفظ و یا انتقال آن شود (Tullock, 1967: 226). در بیشتر منابع دست اول عهد ناصری دیدگاه انتقادی تندی نسبت به پدیده رشوه و ارتشا و فروش مقام و منصب وجود دارد (برای نمونه: عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۶۹۷؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۲۴۰؛ احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۸؛ فوریه، ۱۳۶۸: ۳۳۷). فوریه پزشک ناصرالدین شاه می‌گوید: «هیچ وقت دیده نشد کسی عرض حالی تقدیم شاه کند، مگر آن‌که با آن یک کیسه کوچک ایریشمی یا ترمه‌ای پر یا نیم پر از پول همراه باشد... در سلسله مراتب اجتماعی ایران هیچ‌کاری بدون پیشکش صورت نمی‌گیرد و چون این تقدیمی به منزله قیمت خرید مقامی است که تقدیم کننده طالب تحصیل آن است اهمیت آن به خوبی واضح می‌شود» (فوریه، ۱۳۶۸: ۲۱۸). برای رشوه سرفصلی ذیل عنوان «مداخل» در ساختار نظام اداری تعریف شده و جنبه قانونی داشت. سایکس می‌گوید رشوه «در بین تمام مردم ایران نفوذ کرده و روح سیاست ایران را فاسد نموده است» (سایکس، ۱۳۸۱: ۵۴۹). مجدالملک می‌گوید «هیچ‌یک از سلاطین عهد به‌قدر پادشاه ایران در ترقی دولت و تربیت رعیت سعی و تلاش نکرد. ولی از سعی و تلاش او ذره‌ای پیشرفت حاصل نشد و نتیجه معکوس داد. و سبب آن این است که وزرا هیچ‌وقت راضی نمی‌شوند راه منصب و مداخل و استقلال ایشان به واسطه وضع قانون مسدود شود» (مجدالملک، ۱۳۵۷: ۹۰). مالکان املاک مرغوب با

پیامدهای توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) ... ۱۰۱

پرداخت رشوه به مستوفیان اسم املاک خویش را از دفتر جزو جمع مالیاتی حذف («و مالیات آنها را بر املاک اشخاصی تحمیل کردند که از تقدیم پیشکش و تعارف عاجز») بودند (مجدالملک، ۱۳۵۷: ۳۱).

۱۲. پیامدهای سیاست توزیع منابع طبیعی

پدیده رانت مهم‌ترین پیامد سیاست‌های توزیعی دولت در دوره قاجاریه بود. رشد خزنده و خاموش رانت در دولت به‌گونه‌ای بود که سال به سال درآمد دولت از بهره مالکانه و مالیات زمین کاسته می‌شد. رنه دالمانی می‌گوید فتحعلی شاه در عید نوروز سی میلیون تومان از رانت‌بگیران ایالات و ولایات پیشکش دریافت می‌کرد، ناصرالدین شاه حتی نصف این مبلغ را هم نتوانست بگیرد و به‌مرور درآمد دولت تقلیل یافت (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۷). شوستر می‌گوید «خلاصه و مختصر این است که ایران هیچ مالیاتی به‌معنای متعارف نداشت» (شوستر، ۱۳۳۴: ۹۶). در اواسط دوره ناصرالدین شاه دولت که کاملاً در موضع ضعف قرار داشت؛ از سرناچاری سیاست فروش مقام و منصب ایالات و ولایات و زمین‌های خالصه را در پیش گرفت (عیسوی، ۱۳۸۸: ۸۳). واگذارای امتیازات بزرگ اقتصادی مانند تنباکو، تالبوت، رویترز، دارسی، کشتیرانی، ماهی‌گیری، شیشه‌سازی، قند و شکر، بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس در مقابل دریافت رشوه‌های کلان، بر دامنه نارضایتی‌ها افزود (ملائی-توانی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). کوتاه این که سیاست‌های توزیعی دولت علت اصلی رشد و گسترش رانت و شیوع رانت یکی از عوامل کلیدی در وقوع انقلاب مشروطه بود.

۱۳. نتیجه‌گیری

سرشت توزیعی نظام سیاسی و اجتماعی سبب ایجاد ساختارهای انحصاری در حقوق اقتصادی می‌شود. به‌عنوان جمع‌بندی نهایی مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه

رانت‌داری دولتی و پیامدهای آن به شرح ذیل خلاصه می‌شود: ۱. در تاریخ ایران دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک و توزیع‌کننده منابع طبیعی در طرف عرضه و جامعه به‌عنوان بزرگ‌ترین مستأجر و مصرف‌کننده منابع طبیعی در طرف تقاضا قرار می‌گیرد. در فرآیند توزیع منابع طبیعی، زمین و آب به‌واسطه کانال‌هایی بین اقشار اجتماعی مختلف برای مصرف توزیع می‌شود. ۲. کار و سرمایه به حمایت‌های دولت وابسته‌اند. نیروی کار (رعیت) یک مصرف‌کننده صرف باقی می‌ماند و سرمایه (مستأجر: اربابان، خوانین، تجار، روحانیون و همه نخبگان وابسته به دولت) به مساعدت رانت‌های دولتی وارد بازار می‌شود. ۳. سیاست‌های کلان دولت مبتنی بر توزیع منابع طبیعی عامل اصلی ایجاد ساختارهای انحصاری و انحصار عامل ایجاد رانت است. در فقدان شرایط تولیدی و غلبه سیاست‌های توزیعی در تاریخ ایران نهادهای اجتماعی (خانواده) و سیاسی (دولت) ساختاری انحصاری یافته‌اند. کمپایی طبیعی زمین و آب باعث محدودیت در عرضه این منابع و ازدیاد تقاضا سبب شکل‌گیری نظام توزیعی دولتی در راستای تحقق عدالت اجتماعی می‌شود. اکثریت افراد جامعه در ایجاد رانت دست دارند. مزایای رانت به جیب اقلیتی کوچک می‌رود و هزینه‌های آن بر دوش اکثریت افراد جامعه است. ۴. قوانین و مقررات حکومتی در اثر فقدان شرایط تولیدی جهت توزیع منابع طبیعی تنظیم می‌شود؛ بنابراین به‌جای سود، پیوسته رانت رشد می‌کند. گسترش نهاد دیوان‌سالاری تابع رشد و گسترش رانت بوده است. ۵. منبع رانت داخلی است. در دوره قاجاریه تیول، تسعیر، تفاوت عمل مالیاتی (تفاوت در قیمت‌ها) و مواجب و مداخل شاهزادگان و خوانین مهم‌ترین کانال‌های توزیع زمین و درآمدهای زمین بود. پس از انقلاب مشروطه این کانال‌ها با اقدام مجلس اول مسدود شدند. ۶. بازار انحصاری و در دست‌تجار وابسته به دولت و دلالتان وابسته به‌تجار دولتی است. مازاد محصول اقشار پایین جامعه به‌واسطه دستان دلالتان و تجار دولتی در بازار

پیامدهای توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) ... ۱۰۳

عرضه می‌شود. ارزشمندترین رانت دولتی معافیت از پرداخت مالیات است. برای گرفتن امتیاز معافیت و تخفیف مالیاتی سال به سال بر میزان رشوه و درآمدهای نامشروع معروف به مداخل در نظام دیوانی افزوده و در مقابل خزانه دولت تهی تر می‌شد. ۷. گرایش استفاده از رانت یک گرایش اجتماعی نیرومند و هزینه‌هایی اجتماعی رانت گاه از مزایای مادی آن بیشتر است. ۸. جامعه به شدت به دولت وابسته است. جامعه در تمامی سطوح و لایه‌ها هزینه‌های اجتماعی وابستگی به دولت را پرداخت می‌کند. پرداخت هزینه‌های اجتماعی از جانب افراد و گروه‌های منفعت‌جو، بنابر شرایط و مقتضیات، با رضایت خاطر صورت می‌گیرد. بنابراین دست کم پنجاه درصد بار «استبداد خودخواسته ایرانی» از دوش دولت برداشته می‌شود. ۹. پدیده رانت مهم‌ترین پیامد سیاست توزیع منابع طبیعی در راستای تحقق عدالت اجتماعی است. سایر پیامدها معلول رانت است. برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: فقر عمومی جامعه و دولت و اختصاص منابع درآمدی دولت به عده‌ای قلیل از افراد و گروه‌های وابسته به دولت، ناکارآمدی نظام مالیاتی، فرار مالیاتی مالکان بزرگ و تحمیل مالیات آنها بر خورده مالکان، برتری منافع شخصی افراد بر منافع عمومی جامعه، وجود نظام اداری فربه و ناکارآمد، مالکیت دولتی زمین، اقتدارگرایی، رشوه‌خواری به شکل آشکار و الزامی به عنوان بخش اصلی فرآیند انجام کار، دریافت وام از کشورهای خارجی به دلیل ناتوانی در وصول مالیات، یکی بودن مالیات و بهره مالکانه، اعطای امتیازات بزرگ اقتصادی به افراد و دولت‌های خارجی بدون توجه به منافع عمومی جامعه، خویشاوندگرایی، نژادپرستی، سلطه‌پذیری اجتماعی، یاغی‌گری، عصیان و غارت‌گری ایلات و عشایر و وقوع انقلاب مشروطه. در پایان نویسنده پیشنهادهاتی را مطرح می‌کند: ۱. این تحقیق به صورت موردی دوره قاجاریه را مطالعه و بررسی کرده است؛ بررسی فرآیند توزیع منابع طبیعی در نظام سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌های پیش و پس

از قاجاریه برای غنای بیشتر این نظریه اهمیت زیادی دارد. ۲. نظریه رانت‌داری دولتی بیشتر به تحلیلی‌های اقتصادی متکی است؛ پیشنهاد می‌شود دانشجویان و پژوهش‌گران سایر حوزه‌های علوم انسانی به اتکای سایر نظریات و روش‌ها این نظریه را محک بزنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- ابریشمی، حمید؛ هادیان، محمد (۱۳۸۳)، «رانت جویی و رشد اقتصادی (شواهد تجربی از ایران)»، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۷، ۱-۲۸.
- احتشام السلطنه، میرزا محمودخان (۱۳۶۷)، *خاطرات*، به کوشش سید مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجار*، تهران: زمینه.
- اف، عبدالله (۱۳۶۱)، *روستاییان ایران در اواخر دوران قاجاریه*، ترجمه مارینا کاظم‌زاده، تهران: مجموعه کتاب آگاه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶)، *تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان*، ج ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بادامچی، حسین (۱۳۹۱)، «اجاره‌نامه زمین کشاورزی: تحلیل سه سند حقوقی از ایلام باستان به همراه ویرایش متن اکدی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، شماره ۲، ۳۸-۲۱.
- بادامچی، حسین (۱۳۹۱)، «جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۴، شماره ۱، ۵۹-۳۹.
- بادامچی، حسین (۱۳۹۵)، «سواره نظام بابلی در ارتش هخامنشی: تحلیل یک سند بابلی درباره زمین اسب»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۵، ۲۷۳-۲۵۳.
- بلاکر، مارک (۱۳۸۱)، «آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب کلاسیک»، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، *مجله اقتصاد*، سال دوم، شماره ۱۳ و ۱۴، ۷۰-۸۵.
- تنتکابنی، حمید (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر مناسبات تولیدی و نوع مالکیت در ایران و تأثیرات آن بر دیوان‌سالاری عصر قاجار»، *اقتصاد تطبیقی*، سال اول، شماره اول، ۳۹-۲۳.
- توحیدلو، سمیه (۱۳۹۴)، *حیات اقتصادی ایرانیان در دوران مشروطه*، تهران: هرمس.

جاوید، محمدجواد؛ جمالی، فریما (۱۳۸۸)، «تعامل عدالت و دولت در ایران باستان با تأکید بر تحقیقات تاریخی در حقوق هخامنشیان»، *فصلنامه حقوق، دوره ۳۹*، شماره ۴، ۱۱۱-۱۳۱.

جمال‌ارونقی، مهرداد (۱۳۹۳)، *تاریخچه مالیه ایران*، تهران: معانی.
جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۶)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

حاجی‌یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۲۵-۱۲۶، ۱۵۲-۱۵۵.
حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
خسروی، خسرو (۱۳۴۲)، «بزرگ مالکی در ایران از قاجاریه تا امروز»، *اندیشه و هنر، دوره چهارم*، شماره ۷، ۵۰۰-۵۲۳.

خضری، محمد؛ رنانی، محسن (۱۳۸۳)، «رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن»، *نامه مفید، دوره ۱۰*، شماره ۴۵، ۴۵-۸۰.
خضری، محمد (۱۳۸۲)، «افزونه‌جویی و توسعه اقتصادی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۲۸، ۹۳-۱۱۱.

دوگوبینو، کنت (بی‌تا)، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: فرخی
دیکشنری آنلاین آبادیس، معنی تفاوت، بازیابی در
<https://dictionary.abadis.ir/fatofa/>
رنه دالمانی، هانری (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، ج ۱، تهران: طاووس.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۶۰/۳۱۱۸؛ ۲۴۰/۴۹۹۱۸؛ ۲۴۰/۲۸۱۱؛ ۲۴۰/۳۰۴۴۳؛ ۲۹۵/۶۳۹۰؛ ۲۹۵/۶۳۹۰؛ ۲۹۵/۶۳۹۰؛ ۲۹۶/۱۳۰۲؛ ۲۴۰/۹۵۵۴۹؛ ۲۴۰/۶۱۲۵

سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۸۱)، *تاریخ ایران*، ترجمه محمد فخرداعی گیلانی، ج ۲، تهران: افسون.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۵)، *نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.



پیامدهای توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) ... ۱۰۷

سنجایی، علی اکبرخان (۱۳۸۰)، *ایل سنجایی و مجاهدت‌های ملی ایران*، به کوشش کریم سنجایی. تهران: شیرازه.

سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.

سیف، احمد (۱۳۸۰)، *استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: رسانش.

شاپوریان، عنایت‌الله (۱۳۵۰)، *بیست و پنج سده مالیات*، بی‌جا.

شوستر، مورگان ویلیام (۱۳۳۴)، *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، تهران: کاویان.

شیرین کام، فریدون؛ فرجام‌نیا، ایمان (۱۳۹۳)، *سرگذشت پنجاه کنش‌گر اقتصادی ایران*، تهران: فرهنگ صبا.

صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۱)، «شیوه‌های اخذ مالیات در مناطقی از عشایر لرنشین ایران»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره یک، ۱۵-۳۲.

عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات*، به کوشش محسن میرزایی، ج ۱، تهران: زریاب.

عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ق)*، ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره ایران.

غنی‌نژاد، موسی. (مرداد ۱۳۷۹). «روشنفکری ایرانی و بی‌خبری از توسعه»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۵، ۲۶-۳۲.

فووریه، ژوانس (۱۳۶۸)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون سعیدی، تهران: دنیای کتاب.

قانون اساسی مشروطیت (بی‌تا)، تهران: مجلس شورای ملی.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۳. تهران: علمی و فرهنگی.

گلاویز، علی (۱۳۶۱)، *مناسبات ارضی در کردستان (فرپاشی نظام عشیره‌ای)*،

تهران: روزبه.

لرد کرزن، جرج (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

لمبتون، آن کاترین (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

مجد، محمدقلی (۱۳۸۷)، *تحطی بزرگ ۱۲۹۶-۱۲۹۸ش / ۱۹۱۷-۱۹۱۹م*، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات سیاسی.

مجدالملک، میرزا محمدخان (۱۳۵۷)، *کشف الغرایب مشهور به رساله مجدیة*، به کوشش فضل الله گرگانی، تهران: اقبال.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، *متمم قانون اساسی مشروطه*. بازیابی در rc.majlis.ir/fa/law/show/133414

مستوفی، عبدالله (۱۳۲۶)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، ج ۳، تهران: علمی.

مصدق، محمد (۱۳۶۴)، *خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

ملائی‌توانی، علی‌رضا (۱۳۹۱)، «تبیین ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب مشروطه»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۵-۱۵۹.

مونس الدوله (۱۳۸۰)، *خاطرات*، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین.

مؤمنی، باقر (۱۳۵۹)، *مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران*، تهران: پیوند.

واتسون، گرنٹ (۱۳۵۶)، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

وثوقی، منصور (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: کیهان.

(ب) انگلیسی

Beblawi, Hazem & Luciani, Giacomo (1987), *The Rentier State*. V. IV, New York: Groom Helm.

Beblawi, Hazem (1987), *The Rentier State in The Arab World* in Hazm Beblawi and Giacomo Luciani, eds. *The Rentier State*, New York: Groom Helm.

- David W. Pearce (1989), *The Mit Dictionary of Modern Economics*. Cambridge: Mass Mit Press.
- Mahdavy, Hossein (1970), The Pattern and Problem of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran in M. A. Cook. *Studies in the Economic History in the Middle East*, Oxford University Press, 428-467.
- Marshall, Alfred (1938), *Principles of Economics*. London: Macmillan.
- Menger, Karl (2007), *Principles of Economics*. Translated by: James Dingwall and Bert F. Hoselitz. U.S.A: Ludwig Von Mises Institute.
- Ricardo, David (2001), *On the principles of the political economy and taxation*. Canada: Batoche Books.
- Seyf, Ahmad (1998), Obstacles to the Development of Capitalism: Iran in the Nineteenth Century *Middle Eastern Studies*, 34 (3), 54-82.
- Stanly, Jeons W (1888), *The Theory of Political Economy*. London: Macmillan.
- Tullock, G (1967), The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies and Theft *Economic Inquiry*, 5 (3), 224-232.

